

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چرا بی‌راهه رفته‌ایم؟

رفیق یعنی دوستِ همراه، یعنی همراه همفکر، یعنی همفکر با صداقت. برای خدا همراهی و همفکری کردن.

مردم‌داری یعنی با مردم بودن، در خدمت آنان تلاش کردن، آنان را برای خدا دوست داشتن نه برای خود و منافع خود خواستن.

کارنامه‌ی شهدای دفاع مقدس در غرب و جنوب، تنها سلحشوری و شجاعت و فداکاری در برابر ارتش متجاوز حمایت‌شده‌ی صدام نیست؛ بلکه کارنامه‌ای است درخشان از خدمت به مردم محروم، نیازمند و خوب غرب و جنوب.

برخوردهای محبت‌آمیز، پدران و برادرانه که تمامی تبلیغات منفی گروهکها در کردستان، کرمانشاه، ایلام، آذربایجان غربی و خوزستان را در هم ریخت. اگر شهردار بودند، مثل کارگران شهرداری خدمت کردند بی‌توقع؛ اگر فرمانده بودند مثل یک بسیجی خاکی عمل کردند. طوری شده بود که آنان عاشق این رزمندگان شده بودند. در شهادتشان می‌گریستند گویا فرزند خودشان شهید شده است. کارنامه‌های فرماندهان و مسئولان علاوه بر این نقطه‌ی درخشان، نکته‌ی جالب و نورانی دیگری هم داشت. آن هم یکرنگی، صفا، صمیمیت، تواضع و فروتنی با نیروهای تحت فرمان بود. مثل جلسات نبی مکرّم اسلام، کسی که وارد می‌شد نمی‌دانست کدام فرمانده است و کدام تحت امر. همان فرمانده ظرف می‌نشست، جارو می‌کرد، واکس می‌زد، نگهبانی می‌داد، در ندریها شریک بود و در داراییها غایب. چرا نیروها این فرمانده و مسؤول را در دلشان جای ندهند و دردهایشان را و خوشبهایشان را با آنها نگویند و شریک نکنند و استمداد نگیرند؟

آیا ما هم همین‌طوریم؟

مردم را می‌خواهیم و دوست داریم برای این که عیال خدایند؟ یا برای این که برای ترقی و مقام به رأی و کمک آنها نیاز داریم؟ تا با ما هستند خوبند و گرنه ...! همکاران خود را با کدام چشم نگاه می‌کنیم؟ چون رتبه‌ی ما، درجه‌ی ما، جایگاه ما، عنوان ما، بالاتر است پس ما بالاییم و آنها پائین؟ باید آنها کرنش کنند و اجباراً اطاعت و ما هم امرکننده و خدایگان آنها؟

اطاق ما باید بزرگتر باشد، میل و کولر و کامپیوتر و تزئینات آن باید گرانتر باشد! ماشین ایاب و ذهاب ما باید مدل بالاتر و گران‌هاتر باشد، دو سه اطاق تودرتو با تعدادی کارمند باید باشد تا کسی دستش به ما نرسد مگر سفارش شده باشد! خدا نکند که این چنین باشیم.

این راه و رسم شهیدان دفاع مقدس در مردم‌داری و رفاقت با نیروهاست. اینها برای ما حجّت است. چرا این چنین راه را بی‌راهه رفته‌ایم؟



سیره‌ی شهدای دفاع مقدس

(۲۴)

دوستی با مردم، رفاقت با همکاران

مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدرولایت

سیره‌ی شهدای دفاع مقدس

(۲۴)

دوستی با مردم، رفاقت با همکاران

گردآوری و تدوین: مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت

ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹ □ تیراژ: ۵۰۰۰ جلد □ حروفچینی: ظریفیان

لیتوگرافی: نیما □ چاپ: صاحب کوثر □ صحافی: فرازاندیش سبز

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۱۱۵-۲-۲ ISBN :978-964-495-115-2

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۰۹۵-۷-۷ ISBN :978-964-495-095-7

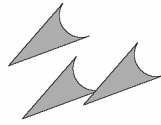
تلفن ۶۶۴۱۱۱۵۱ - ۶۶۴۶۹۹۵۸ - ۶۶۴۶۷۳۹۴

WWW.ghadr110.ir

قیمت ۵۰۰۰ تومان

این کتاب با حمایت معاونت امور فرهنگی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ گردیده است.



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵	پیش‌گفتار
۲۱	مقدمه
۲۵	تانک عراقی
۳۴	پانصد آدرس از دوستان داشت!
۳۷	صمیمی و بی‌ریا
۳۸	کار مهمتر از شب عروسی!
۴۱	پروانه‌وار در خدمت او بود
۴۲	پدر دلسوز
۴۴	دیدن مردم، خستگی را از تنم بیرون می‌کند
۵۰	حقوقمان را زیاد کرد!
۵۱	سهم ما را هم به او بده!
۵۳	صورت به صورت هم!
۵۵	روی گشاده و دست یاری

۵۶	رفیق
۵۷	مثل بقیه
۵۸	بهترین دوستان
۵۹	فکر شام
۶۱	دستهای مهربان
۷۵	یا در این گروهان، یا برمی گردیم!
۷۷	در میان مردم
۷۸	من نگاهی می دهم تا ...
۸۰	ارتباط عاطفی با نیروها
۸۲	یار مهربان
۸۷	خسته نباشی برادر
۸۸	سنگ صبور بچه ها
۸۹	شخصاً از ما پذیرایی می کرد!
۹۱	مثل یک برادر صمیمی
۹۳	عقد اُخوت
۹۴	همراه
۹۵	پتوهای نو
۹۷	برای خانواده تان خیلی سخت است
۹۸	در آغوش هم
۱۰۰	نصیحت دلسوزانه
۱۰۲	راضی باشین از ما
۱۰۴	من هم دوستت دارم
۱۰۵	اینطور با نیروها عمل کنید
۱۰۷	انگشتی یادگار
۱۰۹	یکی مثل کاوه
۱۱۱	حمایت از یک دختر بچه
۱۱۲	نفوذ در دل مردم

- ۱۱۳.....حاصل ارتباط انسانی با مردم
- ۱۱۵.....مهربانی
- ۱۱۷.....کمک به مردم
- ۱۱۸.....تسلّی خاطر
- ۱۱۹.....همبازی بیچّه‌ها، هم میاخته‌ای طلاب!
- ۱۲۱.....پناهگاه
- ۱۲۲.....کمک به پیرمرد برای حفر کانال
- ۱۲۴.....با هم پیمان بسته بودند
- ۱۲۷.....از جانش مواظبت می‌کردند
- ۱۳۰.....شایستگی و حسن شهرت
- ۱۳۲.....بی‌قرار
- ۱۳۴.....پرستار
- ۱۳۵.....به یاد سیّد روزه می‌گیرم
- ۱۳۶.....کی از همه محروم‌تره؟
- ۱۳۸.....به همه سر می‌زد
- ۱۳۹.....بقیه‌اش با من
- ۱۴۱.....دست سوخته
- ۱۴۲.....پشت فرمان
- ۱۴۳.....سفارش بیچّه‌ها
- ۱۴۴.....آخرین غذا
- ۱۴۵.....کاری نکردم، وظیفه‌ام بود
- ۱۴۹.....دست خالی نمی‌آمد
- ۱۵۱.....سوار کردن بسیجی‌ها مهم‌تر است
- ۱۵۳.....کلید خانه‌اش را داد!
- ۱۵۴.....تقدیم به شما
- ۱۵۵.....گویا پدرشان را می‌دیدند
- ۱۵۶.....اجاره‌ی خانه با من

- ۱۵۷.....می‌روم پیش بچه‌ها بخوابم
- ۱۵۹.....مشکلات بسیجی‌ها را حل کنید
- ۱۶۱.....برطرف کردن نگرانیها
- ۱۶۲.....رفع نیاز برادران هم‌رزم از وسایل شخصی
- ۱۶۳.....غمخوار دانش‌آموزان
- ۱۶۴.....پیشقدم در رفع سوء تفاهم
- ۱۶۵.....دوستی و برادری سرجایش باشد
- ۱۶۸.....از بچه‌ها روحیه می‌گیرم
- ۱۷۱.....خیلی دوست دارم
- ۱۷۲.....رزمنده باید راحت باشد
- ۱۸۰.....روابط عاطفی
- ۱۸۲.....فرشته‌ی نجات
- ۱۸۴.....اگر دل آنان بشکند، مسؤلیم
- ۱۸۷.....لیخند و بوسه
- ۱۸۸.....ای کاش یک بسیجی بودم
- ۱۸۹.....همیشه بدهکار رزمندگان
- ۱۹۱.....وقتی همه خواب بودند
- ۱۹۳.....نیمه‌شب‌ها
- ۱۹۴.....همه‌جا با رزمندگان
- ۱۹۶.....کولر را در سالن نصب کنید
- ۱۹۸.....زیباترین حالت
- ۱۹۹.....پیشاپیش همه عمل می‌کرد
- ۲۰۰.....در خانه‌ی پیشمرگان کُرد
- ۲۰۱.....روی دست‌ها
- ۲۰۳.....بچه‌های شهرستانی چه؟
- ۲۰۴.....کدامشان را می‌آوردم؟
- ۲۰۵.....کلام نافذ

- کارهای بچه‌ها را انجام می‌داد ۲۰۶
- غمخوار ۲۰۷
- جای همه را مرتب می‌کرد ۲۰۸
- سطوت و رأفت ۲۰۹
- امتیازی برای خود قائل نبود ۲۲۰
- خودش زودتر از بقیه انجام می‌داد ۲۲۲
- فراموش نشدنی ۲۲۳
- بسیجی‌ها را جابه‌جا می‌کرد! ۲۲۴
- سرکشی و تأمین مایحتاج ۲۲۷
- ماندگار ۲۲۸
- ابلاغ سلام ۲۳۰
- دلجوئی ۲۳۱
- با همه رفیق بود ۲۳۲
- مشکلاتش را حل کرد ۲۳۶
- خدا قوت ۲۳۹
- اول برادریم بعد هم‌رزم ۲۴۱
- برای عیادت مجروحان می‌رفت ۲۴۳
- چکار می‌کنی؟ ۲۴۷
- کلید همه‌ی قفل‌ها ۲۴۹
- مهمان ناخوانده ۲۵۳
- برخورد محبت‌آمیز با جوانان ۲۵۴
- جوانها از ته دل گریه می‌کردند ۲۵۵
- مهمان عزیز است ۲۵۶
- بین نیروها می‌خواهید ۲۵۷
- بنز را در اختیار دیگران گذاشته بود! ۲۵۸
- پیرمرد می‌خواست دست و پای او را ببوسد! ۲۵۹
- اهمیت کار فرهنگی ۲۶۰

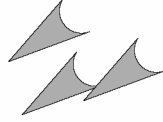
۲۶۱	حساب مردم جداست.....
۲۶۵	دلبستگی به نیروهای مسلمان کرد.....
۲۷۲	خودش نان خشک می خورد.....
۲۷۵	در غم و شادایها، شریک بود.....
۲۷۶	پیرمرد و بزغاله.....
۲۷۷	مانع کینه.....
۲۷۸	جویای حال.....
۲۸۴	اینها حبیب خدا هستند.....
۲۸۸	امانت‌های مردم.....
۲۹۱	حُسن خلق.....
۲۹۳	پایه پای نیروها.....
۲۹۵	پناهگاه جوانها.....
۲۹۶	پیاده به دنبال او.....
۲۹۸	اول انگیزه.....
۲۹۹	مورد علاقه‌ی مردم.....
۳۰۰	دوستی پایدار.....
۳۰۲	معلمی که با بچه‌ها زندگی می کرد.....
۳۰۴	بهترین روش جذب جوانان.....
۳۰۵	مثل یک مادر.....
۳۰۶	صمیمیت و عدالت.....
۳۱۲	تفقد به زیر دست.....
۳۱۸	بهترین دوست.....
۳۲۴	در آن حال هم، فکر بچه‌ها بود.....
۳۳۳	مثل یک پرستار.....
۳۳۶	عیادت بیماران.....
۳۳۷	دفترچه‌ی اسامی دوستان.....
۳۳۸	تهیه پول برای بچه‌ها.....

- ۳۴۰ سیلی را به گوش من بزنید
- ۳۴۳ من، مثل شما هستم
- ۳۴۴ محبوبیت
- ۳۴۵ از خود مایه می گذاشت
- ۳۴۸ نقش محوری
- ۳۴۹ پا به پای بچه‌ها
- ۳۵۱ ارادت به بچه‌های بسیج
- ۳۵۲ در حالی که خود مجروح بود حال مرا پرسید!
- ۳۵۳ مشکل مرا پی می گرفت
- ۳۵۵ عسل طبیعی برای دوستان
- ۳۵۶ وقف بچه‌ها
- ۳۵۸ دم خور با بچه‌ها
- ۳۶۰ دنیایی خاطره
- ۳۶۱ در دل تمامی دوستان و نزدیکان
- ۳۶۳ خودش به دنبال بچه‌ها می رفت
- ۳۶۵ از این بچه‌ها مواظبت کنید
- ۳۶۷ علی رغم خستگی، به همه کمک می کرد
- ۳۶۹ پتوی خود را روی او انداخت
- ۳۷۰ این برای افطارت
- ۳۷۱ صمیمی و بی تکلف
- ۳۷۳ تسلی بخش و تسکین دهنده
- ۳۷۴ بی آرام در خدمت مردم
- ۳۷۶ سه ماهه که به عشق روی تو در سنگرم!
- ۳۷۸ در دل ارتشی‌ها هم نفوذ کرد
- ۳۷۹ نمی خواهی به خوابی؟
- ۳۸۱ اگر بسیجی گرسنه بماند ...
- ۳۸۵ من به جای نگهبانی می دهم!

- ۳۸۹.....سیزده یار آسمانی
- ۳۹۰.....طرح دوستی با افراد گردان
- ۳۹۲.....عاشق کردستان بود
- ۳۹۳.....یک جرعه آب
- ۳۹۵.....برای ما یک برادر هم بود
- ۳۹۶.....در خوردن آخرین نفر بود
- ۳۹۷.....بگذار فکر مردم محروم باشم
- ۳۹۸.....گونی نان بر دوش
- ۳۹۹.....لبخند رضایت روی لبهای مردم
- ۴۰۳.....با بسیجی‌ها بود
- ۴۰۴.....حاجی از ما است
- ۴۰۶.....با او خیلی عادی و دوستانه صحبت می‌کرد
- ۴۰۸.....حلال مشکلات
- ۴۰۹.....در این وقت شب
- ۴۱۰.....مهمان نوازی
- ۴۱۱.....تألیف قلوب
- ۴۱۲.....رسیدگی سریع
- ۴۱۳.....با صمیمیت کنار مردم می‌نشست!
- ۴۱۴.....راه شما، روش ما نیست!
- ۴۱۶.....گویی سالهاست با من آشناست!
- ۴۱۷.....فرماندهی دلسوز برای گردان
- ۴۱۸.....چفیه‌ام را خیس می‌کرد تا راحت بخوابم!
- ۴۱۹.....بوسه بر کف پای بچه‌ها
- ۴۲۰.....بدون شناخته شدن به سنگرها می‌رفت!
- ۴۲۱.....دلش نیامد کسی را برای نگهداری بیدار کند!
- ۴۲۲.....برخورد حکیمانه و پدرانانه
- ۴۲۳.....مشکل دوستان را مشکل خودش می‌دانست!

- ۴۲۴.....باید با او مدارا کرد!
- ۴۲۵.....تمایل دارم در میان مردم مستضعف زندگی کنم!
- ۴۲۶.....لباس بچه‌ها را می‌شست!
- ۴۲۸.....تمام انگورها را به کارگران داد!
- ۴۲۹.....این پولها را به زخم زندگی‌ات بزن!
- ۴۳۰.....هزینه‌ی مراسم ازدواجم را پرداخت!
- ۴۳۱.....باید به انسان‌های گرفتار کمک کنیم!
- ۴۳۲.....امروز انشاء نوشته‌ام!
- ۴۳۳.....دنبال دوستان برای حل مشکلات آنها.....
- ۴۳۴.....اهمیت سرنوشت دیگران.....
- ۴۳۵.....مسئولیت پاسخگویی در صورت کوتاهی در خدمت.....
- ۴۳۶.....فرصت خدمت به رزمنده‌ها.....
- ۴۳۷.....همه کاره.....
- ۴۳۸.....دل‌م نمی‌آمد بیدارت کنم.....
- ۴۳۹.....منابع.....





پیش گفتار

خاطرات دفاع مقدس غالباً در پاکترین لحظات زندگی صاحبان خاطره رخ داده، لذا شایسته است آن لحظه‌های غنیمت ثبت و منتشر شود. آن لحظه‌ها، همان حلقه‌هایی است که بشر سردرگم امروز را می‌تواند به "صراط‌الذین انعمت علیهم" که مصداق کامل آن ائمه‌ی معصومین علیهم السلام هستند، واصل نماید.

صاحبان خاطرات دفاع مقدس ثابت کردند که می‌شود پس از هزار و چهار صد سال سرکوب اسلام، به رهنمود خلیفه‌الله ساز خلیفه‌ی به حق خدا حضرت علی علیه‌السلام جامه‌ی عمل پوشاند که فرمود: **أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسِدَادٍ**.
با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی‌مرا‌یاری دهید. (نهج‌البلاغه/نامه ۴۵)

وقتی مربی مردان دفاع مقدس، بزرگمردی است که با پرهیز از پا گذاشتن بر روی کفش طلاب در هنگام ورود به حجره‌ی تدریس، از مویرگ ظلم دوری می‌کند، بالطبع محصول این مکتب روح الهی باید مردانی باشند که در لحظات اضطراری ورود به میدان مین، پیراهن از تن به در کنند که؛ اگرچه ما رفتنی هستیم، اما چرا لباس بیت‌المال تکه‌تکه شود!

آنان اثبات کردند؛ می‌شود سیره‌ی جهاد اکبر و اصغر را توأم با هم در صورت جوان قرن بیستم متجلی کرد. به شرط آن که با عمل و نه زبان تنها (کونوا دعاء الناس بغير السننکم) به اسلام دعوت شده باشند.

مجموعه کتب سیره‌ی شهدای دفاع مقدس، حاوی گلچینی از خاطرات راویان در خصوص آن سفر کردگان دیار هستی است که در طول سال‌های گذشته توسط ناشران مختلف به زیور طبع آراسته شده است.

انگیزه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت از انجام این پروژه اهداف زیر است:

۱- بسیاری از کتب دفاع مقدس در سالهای گذشته و تنها برای یک بار به چاپ رسیده و در همان سال‌ها نیز عرضه شده است. لذا مخاطبین امروز از دستیابی به آن کتب و خاطرات محرومند. در حالی که اهمیت آن به دلیل نزدیکی نقل خاطره به زمان رویداد، بیشتر از خاطراتی است که هم‌اکنون نقل می‌شود.

این پروژه با جستجوی کتب مذکور، بخش عظیمی از خاطرات ناب شهیدان گرانقدر را دوباره احیا نموده و ماندگار کرده است.

۲- خاطرات دفاع مقدس دستمایه‌ای متعالی و فوق‌العاده مستعد برای خلق آثار ادبی و هنری از جمله داستان، نمایشنامه، رمان، شعر، فیلمنامه و غیره است. گزینش خاطرات خوب و نیز دسته‌بندی موضوعی آن، ادبا و هنرمندان و نیز پژوهشگران این عرصه را از جستجوی زمان‌بر و نامنظم بی‌نیاز کرده است.

۳- شهدای گرانقدر دفاع مقدس با تمسک به آیه‌ی شریفه‌ی «لقد کان لکم فی رسول الله اسوهٌ حسنه» نزدیک‌ترین افراد به خلق و خوی محمدی صلی الله علیه و آله و سلم بودند. لذا اهل منابر و مربیان تربیتی برای اتصال آسان جامعه به سیره‌ی نبوی، می‌توانند از خاطرات شهدا به عنوان شاهد مثال بهره‌برداری نمایند.

مهمترین وجه امتیاز خاطرات مذکور، به روز بودن آن و نیز امکان قوی همذات‌پنداری مخاطب با شهدای معاصر است. این کتب، امکان انتخاب خاطرات ناب، موجز و موضوعی را برای صاحبان کرسی‌های موعظه آسان کرده است.

۴- زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان - به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی - کمتر از شهادت نیست، چرا که راه و رسم شهادت، راه عزت و نجات از اسارت نفس و استکبار است. و ما که از قافله عقب مانده‌ایم و مهجور از عند ربهم یرزقون، بدین وسیله ادای دین می‌کنیم. باشد که مقبول افتد.

۵- از شهیدان دفاع مقدس معمولاً بعد حماسی آنان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. جنبه‌های لطیف که حکایت از روح بلند و منش و طبع کریمانه و رعایت نکات ظریف در زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد، کمتر انعکاس پیدا کرده. نگاه این مجموعه بیشتر معطوف همین مسئله است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت در راستای اهداف ذکر شده، از اواخر سال ۱۳۸۶ ابتدا پیرامون این طرح، مطالعات شناختی را آغاز کرد و از میان موضوعات مختلف اخلاق فردی و اجتماعی، به ۳۰ موضوع که از عمومیت بیشتری در بین رزمندگان اسلام برخوردار بود رسید.

سپس کار فیش برداری در خصوص موضوعات آغاز شد. فیش برداران ارجمند طی تلاشی شش ماهه قریب غالب کتاب‌های دفاع مقدس چاپ شده تا این را تاریخ بررسی کردند تا به خاطراتی دست یابند که؛ ۱- فقط درباره‌ی شهدای دفاع مقدس باشد. ۲- خاطره باشد و نه گونه‌های ادبی دیگر ۳- از جذابیت لازم برخوردار باشد ۴- با اهداف یاد شده متناسب باشد.

از میان کتابهای مورد بررسی، تمام خاطراتی که به دلیل تبدیل به گونه‌های دیگر ادبی دچار ضعف استناد شده بودند و نیز خاطراتی که جاذبه‌ی لازم را نداشتند و یا در خصوص شهدا نبودند، از دور خارج شد.

در مرحله‌ی بعدی فیش‌ها جهت تأیید مجدد بازخوانی شدند.

سپس هر فیش با توجه به موضوع آن در پوشه‌ی مخصوص خود طبقه‌بندی گردید.

مراحل بعدی کار؛ حروف‌چینی، ویرایش، تهیه فهرست موضوعی و اعلام بود که یکی پس از دیگری انجام شد. سپاسگزاری می‌کنیم از تمام حامیان این طرح که آن را بر خود فریضه دانسته و در مراحل مختلف آن مشتاقانه یاری‌رسان بودند. و کسانی که در دریای فضایل و زیبایی‌های شهیدان غوطه خوردند، در از صدف‌ها جستند و خود به لیست گمنامان دفاع فرهنگی از انقلاب اسلامی و راه شهیدان پیوستند. و شما خواننده‌ی گرامی، به خاطر حسن سلیقه و انتخابتان. در پایان امیدواریم این اقدام فرهنگی مرضی رضای حق تعالی و شهدای عزیز قرار گرفته و همه‌ی ما مشمول توفیقات الهی و شفاعت مردان بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی که خاطرات زیبا و نام بلند آوازه‌شان در این کتب ثبت گردیده، باشیم. ان شاء الله.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت